

متن پرسش

سلام خدمت استاد: همانطور که احيانا مستحضر هستيد، يکي دو سالي است سوالات و شبهاتي پيرامون وجود نفس انساني در رسانه ها، کلاسها و بالتبع در اذهان برخي دانش آموزان و دانشجوها مي گذرد. لب سوالاتي که در اين زمينه مطرح است رو شايد بشود در اين خلاصه کرد که: از کجا معلوم که اين مغز انساني نباشد که مدرک، مدير و اصل اساسي انسان است و چرا بايد به يک من خارج از تن، لزوما قائل شويم؟ اينها استدلالها يا رجوع به وجدانهايي که امثال حضرتتعالی در کتب تان مي آورديد را شنیده اند، ولي مي گویند وقتی مغز برود، ديگر نمی گوئيم: «من»! و مي گویند براي يک ملحد که قائل به حيات پس از مرگ نيست چطور مي توان ثابت کرد که واقعا نفس، من و روي خارج از تن وجود دارد که اصل اساسي و حقيقي انسان، آن است؟ شما در کتب تان (که انصافا در زمينه معرفت به نفس، قوت زيادي داشته و دارد) به طور مستقيم اشاره اي به اين شبهه نداشته ايد و شايد بشود غير مستقيم مطالبی رو در پاسخ به اين شبهه، پيدا کرد. حال خواهشمندم که راهنمايي بفرماييد. البته ناگفته نماند، که اين سوال، سوال جديدي نيست و از سالها و چه بسا قرن ها پيش مطرح بوده. اخيرا به دو دليل طرح آن همگاني تر شده: ۱) خو گرفتن به فضاهای علوم فني مهندسي و حتي پزشکی (که در نگاه خوگرفته با اين علوم، انسان رو مي توان به يک کامپيوتر هوشمند تقليل داد) و ۲) طرح اين گونه پرسشها در فضاهای مجازي و رسانه ها و ... ممنون و متشکر منتظر راهنمايي استاد هستيم. (که حقيقتا اين مساله، مساله مبتلا به و پر دردي ست)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: ما بحث معرفت نفس را با نظر به همين شبهات مطرح کرديم، اگر به همان روشي که انسان را به احساس خودش از خودش رجوع مي دهيم، جلو رويم همهي اين مشکلات رفع مي شود و در قسمت آرشيو مباحث در قسمت معرفت نفس اين گونه سؤالات جواب داده شده. موفق باشيد